

## شب یلدا ریشه کریسمس

از: توران شهرباری

مهر رخشا، نکوترین چهر است  
شب یلدا تولد مهر است  
چون که از روز اول دی ماه  
روز گردد بلند و شب کوتاه  
گرچه یلدا شب دی آمده است  
نیست پیدا که از کی آمده است؟  
این همایون شب خیال انگیز  
هست در آخرین شب پاییز  
بیخ و بن در حماسه گستردست  
در نهادش حماسه پروردست  
لفظ یلدا اگرچه سُرّیانیست  
شب مهر آفرین ایرانیست  
به دَرّی معنی‌اش بود زادن  
زندگانی به دیگری دادن  
این شب تیره و بلند و دراز  
صدفی هست پر ز گوهر راز  
ره به استوره برده آغازش  
پر از استوره‌ها بُود رازش  
همچو تاریخ ما، کهنسال است  
مهر و شادی و جذبه و حال است  
در طلوع و غروب، رنگ سپهر  
می‌شود سرخ، رنگ مکتب مهر  
صبح و شب، چون سیه خورد به  
سپید / رنگ قرمز بیاورند پدید  
آن سپید و سیاه راز آلود  
بوده و هست و باز خواهد بود  
این دو در روزگار سرمدی‌اند  
خود نمادی ز خوبی و بدی‌اند  
تا جهانست، نیک و بد هستند  
این دو همزاد، تا ابد هستند  
زان که از روز خلقت عالم  
هر دو گوهر پدید شد با هم

که از آغاز در ستیز بُدند  
سخت در جنگ و در گریز بُدند  
در پی این نبرد بی‌پایان  
گاه این چیره می‌شود که آن  
گاه شب آید و زمانی روز  
گاه آن، گاه این شود پیروز  
سرخ رنگی است زین نبرد و ستیز  
که در آیین مهر هست عزیز  
خوان یلدا که خوان ایرانیست  
این شب آماده بهر مهمانیست  
میوه بر آن نهند و شیرینی  
با دگر خشکبار آیینی  
آنچه سنت بود در این شب تار  
خوردن هندوانه هست و انار  
زانکه این هر دو سرخ و گلفام‌اند  
میوه لعل فام ایام‌اند  
هر که او راه مهر را سپرد  
شب یلدا از این دو میوه خورد  
تا گرامی بدارد این شب را  
شب یلدای پر ز کوب را  
مهر، پیوند مردمان و خداست  
مهر، پیمان مردمی و وفاست  
مهر، نیرو و نور و آزادی است  
مهر، پاکی و نیکی و شادی است  
دوستی هست و مهر ورزیدن  
همه را بیشتر ز خود دیدن  
به خدا و به خلق دل بستن  
عهد و پیمان خویش نشکستن  
مظهرش حلقه‌ای جو خورشید است  
که نشان از وفای جاوید است  
اینک این حلقه خجسته اثر  
هست آذین دست هر همسر  
کیش مهر است بر چنین بنیاد  
بر چنین پایه خجسته نهاد  
گرچه آیین مهر از ایران است  
گرچه میراثی از نیاکان است  
گرچه آغاز و اصلش از ما بود  
دین گسترده در اروپا بود

قرن‌ها مهر در اروپا ماند  
سالیان دراز بر جا ماند  
دین عیسا پس از سه قرن، گذشت  
دین رسمی روم و یونان گشت  
پیش از آن کیش مهر فرمان‌راند  
همه جا دوستی و مهر افشاند  
آن همه رسم و سنت و آیین  
رفت در تار و بود دین نوین  
مهر تأثیر در مسیحا کرد  
بس اثرها به دین عیسا کرد  
پرتو کیش مهر چون کم شد  
زایشش زان پور مریم شد  
که به نام کریسمس ماندست  
در جهان نور و شادی افشاندست  
پاپ با آن ردای قرمز رنگ  
خود نمادیست زان کهن فرهنگ  
رخت بابائونل همان رنگ است  
با نگاه و پسین هماهنگ است  
حلقه مهر و شمع و کاج و سرود  
از نشان‌های کیش مهری بود  
که کنون در کریسمس برجاست  
ژرف بنگر که ریشه‌ها ز کجاست  
نام یکشنبه مسیحی نیز  
هست گویای نام مهر عزیز  
رونق از کیش مهربان چون کاست  
خویشتن را مسیحیت آراست  
بین این هر دو، ژرف پیوندیست  
بستگی‌های گوهر آکندیست  
زایش مهر و عیسی مریم  
هست آغاز دی، مقارن هم  
دو تولد به هم چه نزدیکند  
نوربخش شبان تاریکند  
آن همه رسم و شیوه و رفتار  
یافت در عیسویت استمرار  
شب یلدا اگرچه پیشتر است  
عمر آن در زمانه پیشتر است  
پیشتر بودنش بجا و نکوست  
چون که پیشینه تقدم از اوست